

سفارت نافر جام حاجی ملامحمد شریف شیروانی

یا

گوشه‌ای از مناسبات ایران و عثمانی در اواسط قرن سیزدهم

دیرزمانی نیست که اسناد آرشیوها، در بررسی زوایای حقیقی تاریخ، به‌حق توجه تاریخ نگاران را به‌خود جلب کرده است و چه‌بسا که از این گذرگاه حقایقی بر پژوهنده چهره می‌نماید و او را ناگزیر می‌کند که اوراقی بردانسته‌های پیشین بیفزاید. هر باری که سندی از صافی وقت گذشته، حقیقتی دیگر را آشکار ساخته است. از این‌رو توان گفت که آرشیوها به‌مثابه اوراق پراکنده‌ای هستند که جزئیات و حقایق رویدادها را در متن خود از چشم‌ها پنهان داشته‌اند. از میان آنها آرشیو نخست وزیری ترکیه که در استانبول مستقر است برای پژوهنده ایرانی و تاریخ ایران ارزش والایی را حایز است، چرا که در مواردی به یاری آن می‌توان خلاء موجود در آثار مورخان ایرانی را پر کرد و نکات مبهم رویدادها را به‌درستی دریافت. اینک مسئله‌ای را مورد مذاقه قرار می‌دهیم که مورخان خودی یا از آن به سکوت گذشته‌اند و یا مسئله را به نحو دیگری بیان داشته‌اند.

اکثر مورخان و وقایع نگاران رسمی دوره قاجاریه در آثار خود اسامی همه اشخاصی را که از طرف فتح‌علیشاه قاجار (۵۰-۱۲۱۲ هجری قمری)، یا عباس میرزای

ولیعهد به کشورهای خارجی فرستاده شده‌اند - به استثنای مواردی - ثبت کرده‌اند، یا دربارهٔ مأموریت آنان اطلاعاتی - هرچند کوتاه - در اختیار خوانندگان خود قرار داده‌اند. یکی از آن موارد استثنایی که خود روشنگر گوشه‌ای از روابط ایران عثمانی در اواسط قرن سیزدهم هجری است، سفارت بی‌نتیجه و مخفی ملا محمد شریف شیروانی^۱ به استانبول است. این سفیر ایرانی بلافاصله پس از کشته شدن گریبایدوف سفیر روسیه در تهران به شعبان ۱۲۴۴ به دلیل واهمه‌ای که دولت ایران از عواقب قتل گریبایدوف داشت، به استانبول فرستاده شد تا با اولیای دولت عثمانی که در آن ایام با دولت روسیه در جنگ بودند، قرارداد نظامی منعقد کند و ضمناً پرده از ماجرای قتل سفیر روسیه به یکسو زند و حادثه را چنان که بوده، باز نماید.

این سفارت کاملاً مخفیانه را حتی جهانگیر میرزا پسر عباس میرزای ولیعهد، مؤلف «تاریخ نو» که خود در جریان امر و شاید شاهد ماجرا بوده تحریف نموده و این چنین بازگو می‌کند: «در همین ایام بصحابت آخوند ملا شریف شیروانی که از راه استانبول می‌خواست به زیارت خانهٔ کعبه مشرف شود نوشتجات دوستانه بخواندگار روم سلطان محمودخان [دوم] (۱۲۵۵ - ۱۲۲۳) نوشته و فرستادند و سلطان محمود بعد از وصول آخوند ملا شریف، او را وزیر مختار دولت ایران نامیده در اعزاز و احترام اوسعی بسیار نموده چنان وانمود کرد که دولت علیهٔ ایران لشکر خود را در چمن اوجان جمع آورده به معاونت دولت روم اقدام خواهد کرد...»^۲.

برخلاف اظهار عقیدهٔ جهانگیر میرزا که این سفارت را کاملاً يك امر تصادفی وبدون مقدمه می‌شمارد، میرزا ابوالقاسم قائم مقام - که خود نقش بسیار ارزنده‌ای در سیاست خارجی آن روز ایران داشت - از وی به نام ایلچی دولت سخن می‌راند و در نامه‌ای که از آذربایجان به اللهیارخان آصف الدوله نوشته دربارهٔ ملا محمد شریف چنین می‌گوید: «... سلطان محمود هم حاجی ملا شریف ایلچی این دولت

را بسیار بسیار خوب راه انداخته...»^۳ در سایر مآخذ تاریخی هم تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد راجع به این سفارت به کوچکترین اشاره‌ای بر نمی‌توان خورد. مدت سفارت تقریباً هفت ماه از رمضان ۱۲۴۴ الی ربیع الاخر ۱۲۴۵ طول کشیده است. در میان اسناد آرشیو ترکیه مدارکی به دست آمد، که ماجرای سفارت ملامحمد شریف شیروانی و هدف دولت ایران را از اعزام وی به استانبول روشن می‌نماید. ما به بررسی این اسناد خواهیم کوشید؛ باشد که این کوشش زاویه‌ای هرچند کوچک از روابط ایران و عثمانی را بر پژوهندگان روشن نماید.

کشته شدن گریبایدف، فتحعلیشاه و عباس میرزای ولیعهد را سخت دچار تشویش و نگرانی کرد. درباریان ایران در حالی که سعی می‌کردند از يك طرف با فرستادن هیأتی جهت عذرخواهی به دربار تزار از عواقب وخیم و واکنش روس‌ها پیشگیری بکنند، از طرف دیگر نیز عده‌ای از دولتمداران به فکر بسیج قوای نظامی و مردم علیه روسیه، و امضای يك قرارداد نظامی با دولت عثمانی - که مشغول جنگ با دولت روسیه بود - افتادند. با وجود این که ولیعهد و میرزا ابوالقاسم قائم مقام، جنگ و ستیز با دولت روسیه را به دلایلی به صلاح ایران نمی‌دانستند، لکن طرفداران جنگ سوم و دشمنان عباس میرزا که معاهده ترکمانچای را کاملاً به نفع او پنداشتند در فتحعلیشاه نفوذ کردند و تا به قول قائم مقام: «... قلب مبارک شاهنشاه بر جهاد کفار روس مایل و عزایم همایون به این صرامت و ثبات تصمیم دهد؛ فرمودند الحق وقتی بهتر از این وقت برای جنگ با روس نیست که با عثمانلو در محاربه هستند...» و «بهتر آنست که با دولت عثمانی به موافقت عمل کنیم و از ثواب مجاهدت بازمانیم...»^۴. و از آنجایی که می‌بایست این عزم جنگ از چشم جاسوسان و طرفداران روسیه دور بماند تا در صورت سازش و رفع غایله، خللی بر روابط حسنه بین دولتین وارد نیاید حکم می‌شود که «این عزم جنگ را از همه کس پنهان بدارند، روس و انگلیس و آذربایجانی همه قرار کار را بر صلح دانند تا دشمن به فکر کار این طرف نیفتد، سپاه و استعداد کلی به این سرحدات نفرستد و همچنان

در خواب غفلت بماند تا عسا کر... همایون در این مملکت مجتمع شود و به يك بار متوكلًا على الله و مستعينًا بفضله و عونہ و قوته اقدام به كار كنند ...»^۵.

هنگامی که طرفداران جنگ باریک‌دل و يك‌جهت شدند، برای ابلاغ این مهم به اولیای دولت عثمانی می‌بایست سفیری مورد اطمینان و کاردان روانه استانبول نمایند. لذا برای این سفارت مخفی و حیاتی حاج ملا محمد شریف شیروانی^۶ که یکی از علمای معتبر زمان بود، تعیین می‌گردد. عباس میرزا به هنگام ملاقات با شیروانی از وی می‌خواهد که در دیدار با سلطان محمود و اولیای دولت عثمانی نظر آنها را در باب به رسمیت شناختن و لیبهدی وی و حمایت از او در مقابل سایر برادرانش جلب نماید^۷. در ضمن نامه‌ای هم در مورد مأموریت ملا محمد شریف به حاجی صالح پاشا سرعسكر شرق و والی ارضروم نوشته و از وی می‌خواهد که سفیر را بی‌درنگ به استانبول روانه نماید. شیروانی از طریق خوی عازم وان شده در اوایل رمضان ۱۲۴۴ به شهر مزبور می‌رسد و با اسحق پاشا والی آنجا ملاقات نموده و از آنجا به همراه يك مهماندار روانه ارضروم می‌گردد^۸. شیروانی در ارضروم با صالح پاشا ملاقات نموده و نامه‌ای را که عباس میرزا خطاب به والی نوشته بود به وی تسلیم می‌کند. به لحاظ اهمیت تاریخی و سیاسی این نامه، متن آن عیناً در زیر آورده می‌شود:

مهر عباس میرزا :

در دریای خسروی عباس

«جناب جلالت نصاب فخامت و مناعت اکتساب شهامت و بسالت انتساب، ناظم الامور کافل مهام الجمهور محمد صالح پاشا سرعسكر ارزنة الروم و والی ولایت جانب شرق را با علامات مشفقانه مخصوص می‌داریم، که چون به واسطه همجواری این مملکت لازم است که هر گونه مهمی که از دولت قاهره ایران به دولت علیه آل عثمان اظهار شود به استحضار آنجناب باشد و به توسط آنجناب ابلاغ شود، لهذا، در این وقت که عالیجناب افادت پناه فضایل آگاه کریم الاعراق مستحسن الاخلاق زبدة العلماء الحاج محمد شریف شیروانی از جانب سنی الجوانب علیه حضرت قضاوت شاهنشاه جمجاه ظل اله

روحانفاده روانه اسلامبول بود ، لازم دانستیم که حقیقت را به آنجناب حالی و معلوم و مرقوم داریم و فرمانی که از آستانه همایون شاهنشاهی به افتخار آنجناب صادر شده بود مصحوب عالیجناب مشارالیه فرستادیم . گزارش^۱ ایلچی ، که در دارالخلافة طهران حادث شده است ، سابقاً به عالیشان عمده الاقران آقامحمد حسن حالی شده ؛ البته به آنجناب اظهار نموده است . یقین داریم که آنجناب به جودت ادراک و حسن فراست خود دانسته خواهد بود که دولت قاهره ایران باقصی الغایه در حسن سلوک و میزبانی با عموم غربا و مهمانان ، خصوصاً آنان که در سلک سفر او ایلچیانند ، منتهای مبالغه و تأکید دارد و هرگز به امثال این امور ناپسند راضی نبوده و نیست . بلی جمعی از ارامنه این حدود و اجامره گرجستان در دایره ایلچی روس مجتمع بودند و چندان مرتکب اطوار نالایق و گفتار ناسزا شدند که که آخر کار مشاجره آنها با چند نفر جهال بازاری کشید و علی الففله شورش عظیمی برخاست^۲ که ایلچی خود نیز در آن معرکه و ازدحام به اشتباه تلف شد و تا به حاکم و عامل خبر رسید و در صدد اطفای نایره غوغا برآمدند کار از کار گذشته بود و بساعشی جز غرور ایلچی مزبور و سلوک همراهان او نداشت . نواب والا خود فصلی از این سیاق در عریضة عم اعظم اکرم تاجدار خلدالله ملکه و سلطانه نگاشته ایم که نظر به حسن مطابقت و اتحاد دولت از اوضاع اتفاقیه این مملکت مستحضر باشند و امید کلی داریم که من بعد قراری مضبوط مستحکم در میانه داده شود که دولتین علیتین در سلم و حرب دول نصاری به مضمون انما المؤمنون اخوة عمل نمایند . آنجناب در این مطلب امعان نظر و تدبری وافی نموده و هر چه مقتضی مصلحت این دو ثغر اسلام داند همان را پیشنهاد سازد و معروض آستانه علیه دارد . عالیجناب حاجی ملا شریف و عالیشان آقامحمد حسن هم با آنجناب مکالمه خواهند نمود . خواهش عمده و فرمایش کلی ما این است که چون عالیجناب حاجی ملا شریف حامل مکاتیب و مطالب دولت قاهره ایران است و هر قدر زودتر به آستانه دولت علیه برسد بهتر است ، لهذا آنجناب سعی و جهد کند که توقف او در ارزنة الروم

طول نکشد و به اسلامبول زود برود. چون هوا مایل به اعتدال است، مانند تاتار شب و روز خواهد راند که به فضل خدا زودتر جواب نامه همایون صادر و امنای این دولت را استحضار وافی از منظورات و مستصوبات دولت علیّه عثمانیه حاصل گردد. تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۴۴»^{۱۱}.

باب عالی که قبلاً توسط آقا حسن کارگزار ایران در ارضروم و آقامحمد مدیر امور ایران^{۱۲} در استانبول از منویات دولت ایران آگاه شده بود و زمینه را برای همکاری با ایران آماده می‌دید، اختیارات هر گونه تماس با دولت ایران را به والی ارضروم حاجی صالح پاشا واگذار کرده بود. همچنین به وی دستور داده بود که در صورت لزوم و اصرار نمایندگان دولت ایران مختار است که با توجه به چهارچوب دستورات داده شده، یک معاهده نظامی بر علیه روسیه امضاء نماید^{۱۳}. صالح پاشا، با توجه به اختیارات خود به هنگام ملاقات با محمد شریف شیروانی به وی خاطر نشان می‌سازد، که طبق دستور باب عالی مأذون و مأمور به مذاکره و امضاء سند اتحاد و اتفاق مورد نظر دولت ایران می‌باشد. اما سفیر در گفتگو متذکر می‌شود که چون حامل نوشتجات دربار ایران می‌باشد باید به استانبول برود و شخصاً بعضی مسایل و سفارشات محرمانه را در حضور سلطان محمود مطرح کند، و نامه‌هایی^{۱۴} را که همراه دارد به وی و رجال دولت عثمانی تقدیم نماید. صالح پاشا با در نظر گرفتن توصیه عباس میرزا و اصرار سفیر، بسرای این که راه هر گونه مذاکره را باز بگذارد، وی را روانه استانبول می‌نماید^{۱۵}.

مدیر امور ایران پس از کسب اطلاع از ورود حاج محمد شریف شیروانی به اسکله حیدرپاشا، به بساب عالی مراجعه کرده و ورود سفیر ایران را به اطلاع رئیس‌الکتاب^{۱۶} می‌رساند و از وی می‌خواهد که چون سفیر یکی از علمای طراز اول و معتبر ایران و حامل نوشتجات دربار ایران می‌باشد باید در حق او «مراسم التفات و حسن معامله»^{۱۷} اجرا گردد. در اثر کوشش مدیر امور ایران، طبق مرسوم زمان، یک عدد قایق تشریفات جهت انتقال سفیر به استانبول به حیدرپاشا فرستاده

می‌شود، و طبق برنامه تنظیمی، او را در خانه قصاب‌باشی مهمان می‌کنند. طبق روال دولت عثمانی برای نشان دادن احترام و اعزاز در حق سفیر ایران سه هزار غروش پول حمام و پول لباسی باتشریفات خاصی برای محمدشریف فرستاده می‌شود.^{۱۸} سپس سفیر ایران جهت ادای توضیحات دربارهٔ مأموریت خود و تقدیم نامه‌ها به باب‌عالی فراخوانده می‌شود. سفیر در باب‌عالی باقائم مقام پاشا^{۱۹} و رئیس‌الکتاب دیدار و واقعهٔ کشته شدن سفیر روس در تهران و هیجانات عمومی مردم ایران را علیه روسیه تشریح می‌کند. و اظهار می‌دارد که عباس میرزا حاضر است که از فرزندان خود کیخسرو میرزا (خسرو میرزا) و بهرام میرزا را در زیر فرمان صالح پاشا سرعسکر قرار بدهد. سفیر اضافه می‌کند که روس‌ها اگرچه فعلاً نسبت به این حادثه نرمش نشان می‌دهند، اما به نظر امنای دولت ایران این نرمش به جهت جنگ با دولت عثمانی می‌باشد. و وقتی که از طرف این دولت آسوده خاطر گردند انتقام خود را از دولت ایران خواهند گرفت. دولت ایران از این فرصت استفاده می‌کند و آمادگی خود را جهت همکاری و عقد یک سند اتفاق و اتحاد اعلام می‌دارد؛ و در همین جلسه اظهار می‌دارد که از طرف دولت متبوع جهت تنظیم سند اتفاق و امضاء آن اختیارات کامله دارد. همچنین در مورد بدبینی دولت عثمانی نسبت به روش عباس میرزا می‌گوید: اگر باب‌عالی نسبت به رفتار عباس میرزای ولیعهد شبهه‌ای دارد قادر به ازاله آن می‌باشد. پس از گفتگوهای بسیار، در همان جلسه به این نتیجه می‌رسند که با وجود این که دو دولت اسلامی طبیعتاً متفق یکدیگر هستند اما برای پیشگیری از خطرات و خسارات احتمالی در آینده نسبت به دولت ایران امضاء سند اتفاق بین دو دولت اسلامی ضروری می‌باشد. در همین جلسه شیروانی می‌گوید که، در صورت امضاء سند اتفاق، دولت ایران بلافاصله اقدام به جنگ علیه روسیه خواهد کرد.^{۲۰} بالاخره پس از مذاکرات فراوان در باب‌عالی، سلطان محمود اجازه می‌دهد که سند اتفاق مورد بحث بین سفیر ایران و رئیس‌الکتاب^{۲۱} امضاء گردد. باب‌عالی از سفیر ایران می‌خواهد که رنوشت سندی را که طبق

خواسته دولت متبوع خویش آماده کرده است تقدیم کند^{۲۲}. این سند و سندی که از طرف رئیس‌الکتاب تهیه و تنظیم شده بود، در مجلسی با حضور سفیر ایران و قائم‌مقام پاشا و شیخ‌الاسلام افندی^{۲۳} و بهجت‌افندی و عارف‌بیگ (مأموران وزارت امور خارجه) مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد^{۲۴}. سپس، برای بار آخر، اسنادی که به زبان فارسی^{۲۵} و ترکی آماده شده بود یک‌بار دیگر مورد رسیدگی و تطبیق قرار می‌گیرد و جهت اظهار نظر به سلطان محمود فرستاده می‌شود^{۲۶}. پس از موافقت سلطان، یک روز سفیر به باب‌عالی دعوت می‌شود و اسناد از طرف رئیس‌الکتاب و سفیر ایران امضاء و مبادله می‌گردد^{۲۷}.

معاهده‌ای که در استانبول بین سفیر ایران و رئیس‌الکتاب امضاء و مبادله گردید، مشتمل بر یک مقدمه و سه ماده و یک خاتمه می‌باشد که ترجمه آن در زیر آورده می‌شود^{۲۸}.

« سبب تحریر وثیقه آن که : اگرچه به مناسبت جهت جامعه اسلامی ما بین دولت علیه عثمانیه با دولت بهیه ایرانیه اصول اتحاد و اتفاق آشکار و طبیعتاً موجود است و هرچند از اتفاق رسمی مستغنی می‌باشد، باز طرفین با همکاری و حرکت متحدانه همدیگر علیه روسیه، که دشمن مشترك دولتين عليتين می‌باشد، هجوم و اقتحام نموده و به عون عنایت حضرت و اهب المرام کماینی دولتين متفقین جهت اخذ ثار و انتقام و استیفای حقوق خود همت و اقدام نمایند. طرفین با رضایت کامله در مورد مواد آتیه که از اصول اتحاد و اتفاق می‌باشد و مخصوص جنگ اخیر منتج‌الظفر است اظهار موافقت نموده و بر حسب فرمان اعلیحضرت دیهیم آرای سلطنت و سرافرازی فرمانفرمای روم و تازی، شهریار ابوالفتح و المغازی، گزیده آل عثمان، آبروی اسلام و اسلامیان، ظل الله خلیفه رسول الله و پادشاه ظفر سپاه، ایده‌اله بالنصر و ابقاه، اینجانب که در دولت علیه ابدی‌القرار و سلطنت سینه سرمدی‌الاستمرار اعلیحضرت به رتبه رفیعه ریاست کتاب مباهی گشته و نیز از طرف اعلیحضرت حکمران ممالک ایران، تاجدار دارا دربان، شاه جمجاه معالی عنوان

و ولیعهد با فخامت ایشان ، شهزادهٔ جلیل‌الشان ایشان عباس میرزا ، فخرالعلماء بافضیلت الحاج محمدشریف شیروانی ، که با اختیارات تامه و سفارت مخصوصه به استانبول آمده ، بر حسب مأموریت ، بالمذاکره ، موادی که ربط و تنسیق شده است ذکر و بیان می‌گردد :

مادهٔ اول - همان‌طوری که الحسالة هذه از طرف دولت علیه دشمن مشترك مرسوم برآ و بحراً تدابیر جنگی و تدارکات جهادیه اعمال و اجرا می‌شود ، نظیر آن نیز از جانب دولت بهیئهٔ ایرانیه بالموازنه علیه دشمن مرسوم باعساکر و مهمات وافی مستقلاً و علناً اعلان جنگ و جدال نموده و عملاً کلیهٔ قوای جنگی خود را بسیج بکند و در اجرای آن تا حد امکان مسامحه جایز نشمارد .

مادهٔ دوم - دولتین متفقین ، در صورت ایجاب مصالح ضروری خود ، در انعقاد معاهدات مختارند ، اما هیچ‌یک از طرفین به ضرورزیان دیگری رضا نخواهد داد . اگر دولت علیه بمنه تعالی هر وقت مطابق شأن و شوکت خود به مصالحه رغبت نشان بدهد ، به مقتضای زمان و مکان ، برای استکمال شأن و شکوه دولت بهیئهٔ ایرانیه از نشان دادن مساعی مؤثره به هیچ‌وجه مضایقه نخواهد کرد و بدین وسیله نشان خواهد داد که در جنگ و صلح باهم هستند .

مادهٔ سوم - در صورتی که کلیهٔ اقدامات جنگی که از طرف دولت علیه عملاً علیه دشمن مشترك مرسوم اعمال و اجرا می‌شود از طرف دولت بهیئهٔ ایرانیه اجرا نشود ، بانتهای شرط لزوم ، انتهای مشروط عملی خواهد شد و همان‌طوری که الان مأموری از طرف دولت بهیئهٔ ایرانیه در نزد عسکر در ارضروم اقامت دارد ، بمنه تعالی در راه تأکید شرایط اتفاق و تمهید مراسم حسن وفاق ، تا پایان جنگ ، یک سفیر معتبر نزد مشارالیها اقامت کند .

خاتمه: بروجه مشروح ، مواد مذکور بالمذاکره بین سفیر ایران و اینجانب تهیه و تنظیم شد که سند آن از طرف وی مهر و امضاء گردیده و با سندی که از طرف اینجانب مهر و امضاء شده مبادله گردید ، من الله التوفیق . «

شیروانی اصل سند امضاء شده را پیش خود نگهداشته و سواد آن را توسط چاپار به ایران می‌فرستد^{۲۹}. بنا به صلاح‌دید امنای دولت عثمانی تا ظهور حرکتی از طرف دولت ایران، سفیر در استانبول نگهداشته می‌شود. از این رو است که قایم‌مقام پاشا از سلطان می‌خواهد که محمد شریف را به حضور خود بپذیرد و در حق او التفات بکند و در نطقی که به هنگام قبول سفیر ایراد می‌کند، حمایت خود را از ولیعهدی عباس میرزا اعلام بدارد تا بدین وسیله بلکه‌وی را از ماماشات باروس‌ها روگردان نمایند^{۳۰}. لذا تصمیم گرفته می‌شود در جشنی که عنقریب به پا می‌شد سفیر ایران نیز دعوت بشود و به هنگام شرفیابی، بعد از قایم‌مقام پاشا و سرعسکر و صدرین^{۳۱}، در صف مدعوین قرار بگیرد، تا هم لطفی در حق او بشود و هم از دیدن جلال و عظمت شاهانه محروم نگردد^{۳۲}.

همان‌طوری که در ماده سوم عهدنامه تصریح شده بود جهت اقامت سفیر و هم‌آهنگ کردن امور دولت عثمانی در ایران تذکره‌ثانی^{۳۳} محمد طیبی افندی^{۳۴} را به عنوان سفیر مخصوص تعیین می‌کنند. نامه‌هایی نیز از طرف سلطان محمود، در مورد عقد اتفاق و دوستی، به عنوان فتح‌علیشاه^{۳۵} و عباس میرزای ولیعهد^{۳۶} نوشته، به وی می‌سپارند. این نامه‌ها هر دو به تاریخ اواسط ذی‌القعدة ۱۲۴۴ می‌باشد. مقارن حرکت طیبی افندی به طرف ایران، به علت پیشروی روس‌ها و تصرف حسن قلعه، دره مستحکم شهر ارضروم، ناامنی و اغتشاش همه آن ایالت را فرامی‌گیرد. طیبی افندی دیگر نمی‌تواند به راه خود ادامه بدهد و مجبور به بازگشت می‌شود^{۳۷}، و نامه‌هایی را نیز که به همراه داشته به باب‌عالی مسترد می‌دارد.

از سوی دیگر، هم‌زمان با پیشروی روس‌ها به داخل امپراطوری عثمانی، تزار از هیأت اعزامی ایران به گرمی استقبال می‌کند و نه تنها از خون ایلچی خود می‌گذرد، بلکه مقداری از غرامت عهدنامه‌تر کمانچای را نیز به خسرو میرزا می‌بخشد. بدین ترتیب و اهمه‌ای که دولت ایران از عکس‌العمل روس‌ها داشت بر طرف می‌گردد. طبیعی است که دولت ایران در سیاست خود با دولت عثمانی نیز تجدید نظر می‌کند.

این چرخش سیاسی دولت ایران از دید باب عالی پنهان نمی ماند و باعث گله گزاری کارگزاران دولت عثمانی می شود.^{۳۸} عباس میرزا، برای موجه نشان دادن اقدامات دولت ایران، به نمایندگی خود در ارضروم می نویسد: «... این روزها فرزندی خسرو میرزا از جانب سنی الجوانب دولت قاهره برای رفع بدنامی ایلچی که در حقیقت مهمان این مملکت بود مأمور شده و این حقیقت منافی سلم و صفوت دولتین اسلام نمی باشد و با گفتگوهایی که بین آن حضرتین است تخالف و تضاد ندارد، چون که عهدنامه مصالحه فیما بین دولت روس و این دولت ابد مانوس برهم نخورده و آمد و شد جانبین خلاف قاعده و قانون نیست. باید آن عالیشان حقیقت این مطلب را نوعی حالی جناب سرعسکر نماید که انشاءاله از این مأموریت فرزندی خسرو میرزا خیالی دیگر به خاطر رجال دولت علیه عثمانیه نرسد و مجال تشکیکی نباشد...»^{۳۹}.

با سقوط ارضروم در سوم محرم ۱۲۴۵ و تصرف ادرنه در صفر ۱۲۴۵، استانبول به خطر می افتد. دولت عثمانی با عجله درخواست متارکه و امضای مصالحه نامه می نماید و بالاخره در ۱۵ ربیع الاول ۱۲۴۵، میان روسیه و عثمانی معاهده صلحی در ۱۶ ماده در شهر ادرنه منعقد می گردد.^{۴۰} پس از امضای معاهده صلح، دیگر اقامت سفیر ایران در استانبول بی فایده تشخیص داده می شود و با عزیمت وی به ایران موافقت می گردد^{۴۱}، و بالاخره در روزی که احتمالاً یکی از روزهای دهه دوم ماه ربیع الاخر ۱۲۴۵ باشد به باب عالی فراخوانده می شود و نامه هایی را که جواباً از طرف سلطان محمود به فتحعلیشاه^{۴۲} و عباس میرزا^{۴۳} نوشته شده بود به وی تسلیم می کنند. هر دو این نامه ها به تاریخ اواسط ربیع الاخر ۱۲۴۵ می باشند. احتمالاً سفیر ایران در اواخر همین ماه از استانبول عازم ایران گردیده است. چگونگی حرکت او به طرف ایران بر ما روشن نیست^{۴۴} تا این که خبر رسیدن وی به شهبان را می یابیم^{۴۵}. بالاخره شیروانی به ایران می رسد و نامه هایی را که همراه دارد به مخاطبان شان تسلیم می کند^{۴۶}.

یادداشت‌ها

- ۱- در ترجمهٔ حال ملا محمد شریف شیروانی ، در مآخذ نکته‌ای به دست نیامد که گرهی را بگشاید ، جز آن که مرحوم محمدعلی مدرس تبریزی ذیل مادهٔ شیروانی نوشته است که : حاج ملا شریف یا محمد شریف بن رضا - شیروانی تبریزی از اکابر علمای اواسط قرن سیزدهم می‌باشد که حساوی فروع و اصول ، از مروجین شریعت عزا و مجاهدین در تشدید مبانی دین مقدس اسلامی بوده است . ریحانة الادب ، چاپ دوم ، تبریز ، ۱۳۴۶ ، جلد سوم ، ص ۳۳۷ .
- ۲- ر . ک . به تاریخ نو ، تألیف جهانگیر میرزا ، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی ، تهران ، ۱۳۲۷ ، صص ۳۰-۱۲۹ .
- ۳- ر . ک . منشآت قایم مقام ، از انتشارات علمیهٔ اسلامیة ، تهران ، بی‌تاریخ ، ص ۱۵۱ .
- ۴- از نامهٔ قایم مقام به برادرش میرزا موسی ، یادگار ، سال دوم ، شمارهٔ نهم ، اردیبهشت ۱۳۲۵ ، ص ۴۲ .
- ۵- همان جا .
- ۶- در هیچ يك از اسناد مورد مطالعه از همراه یا همراهان سفیر سخنی به میان نیامده است و به نظر می‌رسد که این سفارت به تنهایی انجام گرفته باشد .
- ۷- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه ، خط همایون ، شمارهٔ ۳۷۰۲۷ .
- ۸- همان جا ، شمارهٔ ک ۳۶۸۲۴ .
- ۹- اصل : گزارش .
- ۱۰- اصل : برخواست .
- ۱۱- همان جا ، شمارهٔ ۳۶۷۰۷ .
- ۱۲- در کلیهٔ اسناد مربوط به دورهٔ مزبور از این دونفر با این عناوین یاد شده است . مثلاً "مراجعة شود به سند شمارهٔ ۳۶۸۹۶ ، خط همایون ، مضبوط در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه .
- ۱۳- آرشیو نخست‌وزیری ، خط همایون ، شمارهٔ ۳۶۹۴۷ .
- ۱۴- نامه‌های مورد بحث محمد شریف از آرشیو به دست نیامد .
- ۱۵- آرشیو نخست‌وزیری ، همان جا ، شمارهٔ ۳۶۹۹۲ .

- ۱۶- رئیس‌الکتاب و یار رئیس افندی = ریاست کتاب در تشکیلات اداری عثمانی تا سال ۱۲۵۱ (۱۸۳۵) که سال تأسیس وزارت امور خارجه می‌باشد، به کسی اطلاق می‌شده که مسئول امور خارجه دولت عثمانی بوده است. (محمد ذکی پاکالین، فرهنگ اصطلاحات تاریخ عثمانی، استانبول، ۱۹۷۱، جلد سوم، صص ۲۷-۲۵).
- ۱۷- این عبارت عیناً از متن گزارش باب‌عالی نقل شده است.
- ۱۸- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه، همان‌جا، شماره ۳۶۹۲۹.
- ۱۹- به هنگام غیبت صدراعظم از استانبول کاددهای مربوط به صدارت را وزیر انجام می‌داده است که به او قایم‌مقام پاشا گفته می‌شد.
- ۲۰- همان‌جا، شماره ۳۶۹۲۹.
- ۲۱- در هنگام اقامت شیروانی در استانبول رئیس‌الکتاب پرتو افندی (= پاشا) بود که از ۲۵ شعبان ۱۲۴۲ الی ۲۹ شعبان ۱۲۴۵ در این مقام انجام وظیفه کرده است (اسماعیل حامی دانشمند، کرونولوژی مفصل تاریخ عثمانی، استانبول، چاپ اول، جلد چهارم، ص ۶۴۷).
- ۲۲- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه، شماره ۳۶۹۸۱.
- ۲۳- در این هنگام شیخ‌الاسلام یاسنجی‌زاده عبدالوهاب افندی بود که قبلاً در سال ۱۲۲۶ به عنوان سفیر فوق‌العاده به ایران آمده بود (دانشمند، همان‌جا، ص ۵۵۱).
- ۲۴- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه، شماره‌های ۳۶۹۲۹ و ۳۶۹۳۰.
- ۲۵- سواد سنلی که به زبان فارسی تهیه شده بود از آرشیو به دست نیامد.
- ۲۶- همان‌جا، شماره ۳۷۱۲۷.
- ۲۷- همان‌ها، شماره ۳۷۰۲۷. همچنین ر. ک. تاریخ لطفی، لطفی افندی، استانبول، ۱۲۹۰، جلد دوم، ص ۲۰.
- ۲۸- ر. ک. تاریخ لطفی، جلد دوم، صص ۲۱-۲۰.
- ۲۹- معلوم نیست که سواد معاهده‌نامه به ایران رسیده است یا نه. به احتمال زیاد به علت آشوب در ایالات شمال شرقی امپراطوری عثمانی امکان ارتباط بسیار کم بوده است. نگارنده سوادنامه‌ای از عباس میرزا را در اختیار دارد که حاکی از نگرانی وی از نرسیدن گزارشات محمد شریف شیروانی به تبریز می‌باشد. این اضطراب عباس میرزا از نامه مورخ ذی‌القطعه ۱۲۴۴ او به ملا شریف کاملاً پیدا است: «... لکن بعد از ورود آن عالیجناب

به اسلامبول هیچ گونه خبری به ما نرسیده بسیار خرسند و شادمان خواهیم شد اگر انشاءالله تعالی موافق تحریرات جناب سرعسکر از دربار دولت عثمانیه نیز وثیقه و کاغذ معتبر برسد . اولیای دولت قاهره ... نیز منتظر خبر آن عالیجناب بوده اند . . . سواد این نامه را آقای علیرضا سراجمیر در اختیار اینجناب گذاشته اند .

۳۰- آرشیو نخست‌وزیری ، شماره ۳۷۰۲۷ .

۳۱- صدرین عنوانی است که در حق قاضی عسکرهاى آناتولی و روم ایلی به کار می‌رفته و بعد از شیخ‌الاسلام ، بزرگ‌ترین مقام دینی امپراطوری بوده است (محمد ذکی پاکالین ، جلد ۳ ، ص ۸۸) .

۳۲- آرشیو نخست‌وزیری ، شماره ۳۶۹۳۰ .

۳۳- عنوانی است که به یکی از دومنشی دیوان همایون اطلاق می‌شد ومنشی دیوان هم می‌گفتند (محمد ذکی پاکالین ، جلد سوم ، ص ۲۹۲) .

۳۴- پیش از آن که دولت ایران در صدد فرستادن سفیری به دربار عثمانی برآمده باشد، دولت عثمانی مقارن شروع جنگ روس و عثمانی (۲۵-۱۲۴۳) ، برای جلب همکاری و کمک دولت ایران ، محمد طیب افندی را برای انجام این مأموریت تعیین می‌کند و چون می‌بایست این مأموریت به دور از چشم جاسوسان روسیه انجام پذیرد ، به وی عنوان ناظر مهمات اردوی شرق نیز داده می‌شود و سپس او را راهی ارضروم می‌کنند تا به ایران برود و به وی دستور می‌دهند که اگر هنگام ملاقات باعباس میرزا متوجه شود که وی مایل به هیچ گونه همکاری نیست ، بدون آن که از مأموریت اصلی خویش سخن به میان آورد ، راهی تهران شود و اگر در ملاقات با فتحعلیشاه هم متوجه شود که افکار آنها بر له روسیه می‌باشد ، آنجا نیز از مأموریتش سخنی به میان نیاورد و در مورد اختلافات دو دولت در کردستان و ایالت بایان گفتگو نماید . چنان به نظر می‌رسد که هنگام عزیمت طیبی افندی از ارضروم به طرف ایران ، خبر آمدن سفیری از طرف دربار ایران به گوش اولیای دولت عثمانی می‌رسد و لذا دستور می‌دهند که طیبی افندی به عنوان ناظر مهمات اردوی شرق در ارضروم بماند . پس از امضای قرارداد بالا است که دوباره طیبی افندی مأمور به دربار ایران می‌شود و مقارن حرکت وی باتسلط روس‌ها و آمدن خبرسازش ایران با دولت روسیه ، این مأموریت انجام نمی‌گیرد . برای کسب اطلاعات مفصل رجوع شود به اسناد شماره ۳۷۱۶۴ و ۳۶۸۹۶ و ۳۶۹۹۲ و ۳۷۰۲۳ خط همابون ، آرشیو نخست‌وزیری ترکیه و تاریخ لطفی ، جلد دوم ، صص ۲۶۴-۲۳۲ .

- ۳۵- اصل این نامه در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه به شماره ۳۷۱۴۸ خط همایون ضبط است ، قطع ۲۴۶ X ۷۸ سانتی‌متر می‌باشد .
- ۳۶- اصل این نامه نیز در همان آرشیو به شماره ۳۷۱۴۹ مضبوط است .
- ۳۷- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه ، شماره ۳۷۲۴۱ خط همایون .
- ۳۸- همان‌جا .
- ۳۹- سوادنامه را جناب آقای علیرضا سراجمیر در اختیار اینجانب گذاشته‌اند .
- ۴۰- اسماعیل حامی‌دانشمند ، کروئولوژی مفصل دولت عثمانی ، استانبول ، ۱۹۷۲ ، جلد دوم ، ص ۱۱۵ .
- ۴۱- تاریخ لطفی ، جلد دوم ، ص ۲۳ و آرشیو نخست‌وزیری ، شماره ۲۳۰۲۳ خط همایون .
- ۴۲- آرشیو نخست‌وزیری ترکیه ، نامه همایون ، جلد ۱۰ ، صص ۴۲۱-۴۲۰ .
- ۴۳- همان‌جا ، ص ۴۲۲ .
- ۴۴- میرزامصطفی افشار در « سفرنامه خسرومیرزا » در یادداشت‌های خود در روز ۲۲ صفر ۱۲۴۵ به هنگام دیدار تزار و خسرو میرزا می‌نویسد که تزار از ارسال ایلچی به باب‌عالی‌گله کرده و می‌گوید که ایلچی شما به هنگام بازگشت مورد تهاجم راهزنان قرار گرفته و ژنرال پاسکویچ وی را از دست آنها گرفته و روانه ایران نموده است (سفرنامه خسرو میرزا ، به کوشش محمد گلپین ، ص ۲۴۰) . شاید این ایلچی مورد بحث تزار همان چاپاری باشد که سواد عهدنامه را به ایران می‌برده است زیرا تاریخ نامه‌ای که محمدشریف شیروانی با خود آورده به تاریخ اواسط ربیع‌الآخر ۱۲۴۵ می‌باشد که با تاریخ روز گفتگوی تزار و خسرومیرزا وفق نمی‌دهد .
- ۴۵- منشآت قایم‌مقام ، ص ۱۵۱ .
- ۴۶- دنامه‌ای که عباس‌میرزا بعدها به سلطان محمود نوشت و توسط زین‌العابدین‌خان به استانبول فرستاد از رسیدن نامه‌اش توسط شریف شیروانی اظهار شادمانی کرده و مصالحه با روسیه را تبریک گفته است (آرشیو نخست‌وزیری ترکیه ، خط همایون ، شماره ۳۶۶۶) .



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی